

بنیانگذار انقلاب اسلامی حدود سال ۱۳۰۰ برای اقامتی طولانی مدت راهی قم شدند تا پای درس فقه و اصول شیخ عبدالکریم حائری یزدی بنشینند. ایشان در دوره‌های مختلفی که در شهر قم حضور داشتند در خانه‌ها و اتاق‌های استیجاری متعددی روزگار گذراندند. یکی از معروف‌ترین منزلگاه‌های امام راحل (ره) در قم، در خیابان معلم و محله یخچال قاضی قرار دارد؛ منزلگاهی که سال ۱۳۲۵ از سوی

حضرت امام (ره) خریداری شد تا همراه اهل بیت‌شان در آنجا سکونت داشته باشند. این خانه که بعدها به خانه انقلاب نیز شهرت یافت تا سال ۱۳۴۲ کانون اصلی مبارزات و فعالیت‌های سیاسی ایشان و همراهان محسوب می‌شد. خانه انقلاب قم در سال ۱۳۷۵ توسط سازمان میراث فرهنگی در شمار آثار ملی به ثبت رسید. امام در این خانه چندین سال ساده زیستند.

قم خانه انقلاب

ویژه‌نامه روز هفتم
۱۴ خرداد ۱۴۰۲
شماره ۳

۳

مطالعه در برنامه‌های شخصی بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران جایگاه ویژه داشت

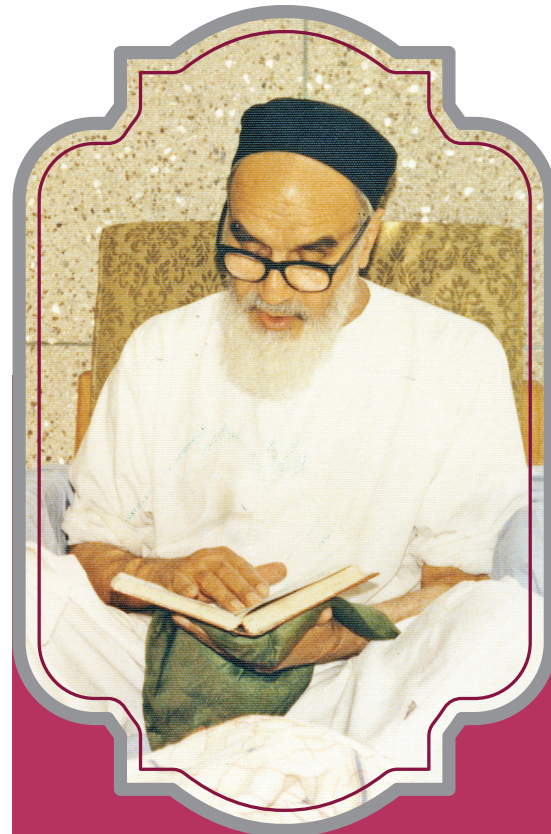
خلوت با کتاب و کتابخوانی

علی‌الله سلیمی

کتاب و کتابخوانی در میان عالمان دینی همواره از اهمیت بالایی برخوردار است و در این میان، برخی از عالمان دینی که دغدغه‌هایی در زمینه اصلاح امور سیاسی و اجتماعی داشته‌اند، از کتاب به عنوان وسیله‌ای برای تکمیل دانسته‌های خود در حوزه‌های گوناگون و آگاهی‌بخشی به توده‌های اجتماعی بهره برده و برای این منظور، کتاب همیشه در صدر توجهات آنها قرار داشته است. از جمله عالمان دینی و شخصیت‌های مهم سیاسی و اجتماعی که کتاب و کتابخوانی را همواره در اولویت برنامه‌های خود قرار می‌داد، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی (ره) است که در ادامه، خاطرات نزدیکان ایشان در این زمینه را با هم مرور می‌کنیم.

از تاریخ ایران و جهان تا کتاب شوهر آهو خانم

یکی از اشتغالات و سرگرمی‌های حضرت امام (ره)، چه پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و چه پس از آن، به‌ویژه در دوره حضور دائمی در جماران، مطالعه بود؛ مطالعه آثار و کتاب‌هایی با موضوعات گوناگون سیاسی، اجتماعی، تاریخی، ادبیات و رمان و مجله و روزنامه‌های جریان‌ات و گروه‌های سیاسی. به طوری که حاج سیداحمد آقا، در این باره گفته: «اواخر امام نمی‌رسیدند که کتاب‌های داستان و اینطور چیزها را بخوانند. در نجف که بودند، شاید در روز صدها صفحه کتاب می‌خواندند، حال چه کتاب قصه و چه کتاب‌های اجتماعی. ایشان اکثر داستان‌های معروف را خوانده بودند و همینطور بسیاری از کتاب‌هایی را که جنبه سیاسی یا اجتماعی داشت، مثل «نگاهی به تاریخ جهان نهر» و «امام کتاب شوهر آهو خانم» را از اول تا آخر خوانده بودند. امام مطالعه را دوست داشتند. گاهی به قدری مطالعه می‌کردند که چشمشان خسته می‌شد. به یاد دارم تابستان‌ها به یکی از شهرها یا تهران می‌آمدیم، به قدری کتاب‌های متنوع مطالعه می‌کردند که صدای کسانی که برای ایشان کتاب تهیه می‌کردند، در می‌آمد. اکثر داستان‌های بزرگ مثل «بینوایان» را مطالعه کرده و نوشته‌های نویسندگان بزرگ جهان را، چه در زمینه اجتماعی و چه سیاسی، خوانده بودند. تاریخ ایران را هم بارها مطالعه کرده و تاریخ مشروطه را خوب می‌دانستند.



یا در حال عبادت بودند یا مطالعه

درباره علاقه امام خمینی (ره) به کتاب و کتابخوانی، آیت‌الله عباس‌علی عمید زنجانی از دورانی یاد کرده که ایشان در نجف و مطالعه بخش مهم برنامه‌های ایشان بود: «بعد از آمدن امام به نجف، مدتی طول کشید که خانواده‌شان آمدند. امام در خانه‌ای اجاره‌ای سکونت داشتند که در یک قسمت خودشان می‌نشستند و قسمت دیگر هم حکم بیرونی را داشت. در مدت شبانه روز واقعاً امام یا در حال عبادت یا مطالعه بودند. این کار منظم ایشان، درس بزرگی برای آنها بود که به بیرونی امام رفت و آمد داشتند و وضع امام را از نزدیک می‌دیدند. همچنین زهرا مصطفوی، دختر امام (ره) در خاطره‌ای تعریف کرده: تا آنجا که به یاد دارم امام همیشه مشغول مطالعه بودند و بیرون رفتنشان از منزل هم برای تدریس در مسجد سلماسی قم بود. صبح‌ها برای درس پیش از ظهر می‌رفتند و باز بر می‌گشتند و عصرها یک ساعت و نیم به غروب مانده می‌رفتند برای درس و بر می‌گشتند و شب بعد از شام می‌خوابیدند و بعد از نماز صبح برای مطالعه بیدار بودند. همچنین فریده مصطفوی، فرزند دیگر امام (ره) نیز فضای مطالعاتی امام را چنین به یاد دارد: وقتی برای ایشان چای می‌بردم کتاب‌های زیادی نیمه باز اطرافشان چیده و مشغول مطالعه بودند؛ به قدری که از پشت کتاب‌ها دیده نمی‌شدند.



صبح ۷

نظم مطالعاتی

حجت‌الاسلام و المسلمین مرحوم سید محمود دعایی در خاطره‌ای تعریف کرده: جریان شهادت مرحوم حاج آقا مصطفی نه تنها در حالات روحی و فکری، بلکه در نظم برنامه روزمره امام اثر گذاشت. ایشان ساعتی از روز را برای مطالعه کتاب‌های جدیدی که به دستشان می‌رسید اختصاص داده بودند و به عنوان مثال تمام کتاب‌های مرحوم دکتر علی شریعتی را مطالعه می‌کردند و به‌ویژه به آثار آقای مطهری بسیار علاقه و آثار ایشان و آقای طالقانی را قبول داشتند. درباره کتاب‌های دکتر شریعتی نیز معتقد بودند آنقدرها که به این آثار اعتراض و حمله می‌شود، بی‌مورد است و تا این حد انحراف در میان آنها وجود ندارد. خاطر می‌گردد که در آن ایام کتاب «طلوع انفجار» علی‌اصغر سیدجوادی را مطالعه می‌کردند. حاج احمد آقا می‌گفتند: وقتی امام از تشییع جنازه فرزندشان بازگشتند، ساعت مطالعه کتاب‌های روزمره‌شان بود. کتاب طلوع انفجار را باز کردند و به مطالعه آن پرداختند. همچنین امام خواندن کتاب «تفسیر پرتوی از قرآن» مرحوم آیت‌الله طالقانی را به اینجانب توصیه فرمودند. روزی دیدم که مرحوم حجت‌الاسلام حاج آقا سیدمصطفی خمینی هم «پرتوی از قرآن» می‌خواند. ایشان هم گفتند امام خواندن این کتاب را به من سفارش فرمودند.

کتابخوانی بی‌دری

تقدیم امام (ره) به کتابخوانی را آنهایی که با ایشان روزگار سپری کرده‌اند هنوز خوب به یاد دارند. استاد مرحوم عبدالحسین حائری هم درباره ساعت‌های طولانی مطالعه حضرت امام گفته: «دوستان آقامی گفتند: مکرر اتفاق می‌افتاد که صبح تا ظهر خدمت ایشان در اتاق می‌نشستیم و آقا مشغول مطالعه بودند و یک کلمه حرف نمی‌زدند؛ مگر از ایشان سؤال می‌شد که به اندازه لازم جواب می‌دادند. مطالعه را دوست داشتند و به قدری که چشمشان خسته می‌شد. گاهی ساعت‌ها در پی مطالعه می‌کردند. همچنین آیت‌الله جعفر سبحانی در این باره تأکید کرده: زمانی که سن امام از ۵۰ سال تجاوز کرد گاهی ساعت‌ها در پی مطالعه می‌کردند. در سال ۱۳۳۰، ماه ۳، تابستان را در محلات گذراندند. در این مدت پس از صرف صبحانه از ساعت ۱۲ تا مشغول مطالعه می‌شدند. هرگاه نوعی خستگی و یکنواختی در کار خود احساس می‌کردند، خود را به نگرش اندیشه‌هایشان سرگرم می‌کردند.

امام ۳۰۰۰ بیش از هزاران جلد کتاب و مجله داشت تبدیل منزل به کتابخانه

با اینکه حضرت امام خمینی (ره) چندین سال درگیر مبارزه و سختی و تبعید و دوری از وطن بودند اما اینها مانع از فعالیت و توجه ایشان به کتاب و کتابخانه نمی‌شد. عشق و علاقه حضرت به کتاب و کتابخانه تنها در دوره مرجعیت نبوده؛ ایشان از دوران کودکی و نوجوانی و جوانی سر و کارشان با کتاب و کتابخانه بود. حتی در سفرهای تفریحی با دوستان و هم‌سن و سالان خود نیز کتاب همراه داشت و به بازدید از کتابخانه‌ها نیز می‌رفت.

آتش در گلستان

در جلد ۱۶ کتاب «امام در آینه اسناد ساواک» از موضوعی در این زمینه یاد شده که مرور آن خالی از لطف نیست. در آن منبع آمده: حضرت امام پیش از تبعید، منزلی را که مقابل مدرسه حججیه قم (در مانگاه قرآن و عترت فعلی) به عنوان وجوهات شرعی به ایشان واگذار شده بود، به کتابخانه و لیبصر (عج) و محل درس و بحث طلاب تبدیل کرد که استقبال خوبی از آن شد. با تبعید حضرت نیز این مرکز به فعالیت خود ادامه می‌داد. تا اینکه ساواک از فعالیت این مکان احساس خطر کرد و آبان ماه سال ۱۳۴۶ همزمان به منزل و این کتابخانه یورش برد و همه کتاب‌ها و نشریات و جزوات موجود که نزدیک به ۱۰ هزار جلد می‌شد، به همراه دیگر اوراق و اسناد تاریخی را صادره کرد. در کتاب «صحیفه امام» هم در این باره موضوع قابل توجهی اشاره شده: «حضرت امام در تبعیدگاه نگران کتابخانه بود و در نخستین فرصت از آن پرسید: «احمد عزیزم! از کتابخانه چیزی ننوشتی. نمی‌دانم به چه حال است. هر چه زودتر تحویل اهل علم دهید و این جانب را مطلع کنید.»

نشانه ترقی

حتی ۱۰ سال بعد در ۱۵ دی ماه سال ۱۳۵۶- نیز قضیه یورش به کتابخانه را فراموش نکرده و باز در وصیت‌نامه خود نوشتند: «کتاب و اثنای را که از کتابخانه این جانب و منزل، دولت ایران به غارت برده است اگر برگردانند، آنچه اهدایی آقای نجفی مرعشی بوده به کتابخانه ایشان برگردانند و بقیه به همین کتابخانه یا سایر کتابخانه‌ها واگذار شود و کتبی که از خود این جانب غارت شده است، اگر برگشت، و کتبی که در نجف دارم در اختیار وصی است؛ هر چه مورد احتیاج اوست یا مورد احتیاج نور چشمی حسین پسر مرحوم مصطفی، بردارند و باقی را به یک کتابخانه واگذار کنند. ایشان نشانه تمدن و پیشرفت را وجود فرهنگ کتابخوانی و کتابخانه در جامعه می‌دانستند و فرمودند: این تمدن است که سرتاسر یک مملکتی این قدر مرکز فساد داشته باشد؟! کتابخانه نداشته باشد، مرکز فساد داشته باشد؟! اسلام و روحانیت با این مخالف است؛ نه با ترقی.»

منبع: صحیفه امام